

بهارت

ای

صدرا





انتشارات سوره مهر
وابسته به حوزه هنری

دفتر ادبیات انقلاب اسلامی

قصصی انقلاب برای بچه‌ها و نوجوان‌ها / ۵/ برادرت را صدا کن

نویسنده: نادر ابراهیمی

ویراستار: کبری ابراهیمی | گرافیک: محمود حسینی

پیشگفتار: دکتر علی ولایتی؛ واژه پرداز اندیشه - چاپ اندیشه

چاپ ششم (اول ناشر): ۱۳۹۳

شمارگان: ۲۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۴۷۱ - ۳۰۰

قیمت: ۳۵۰۰ تومان

نقل و چاپ توسط: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

همگام با کودکان و نوجوانان: ۱۳۸۷ - ۱۳۸۸

تلفن: ۹۶۴ - ۴۷۱ - ۷۱۲ - ۳

شناسه افزوده: سازمان تبلیغات اسلامی

هتري

رده بندی کنگره: ۱۳۷۶/۵۸/۹۴۳/IRY

رده بندی دیویی: ۳۴۸/۶۲

شماره کتابشناسی ملی: ۴۷۶-۷۶م

سرشناسه: ابراهیمی، نادر، ۱۳۱۵ - ۱۳۸۷

عنوان و نام پدیدآور: برادرت را صدا کن / نادر

ابراهیمی.

مشخصات نشر: تهران: سازمان تبلیغات اسلامی،

حوزه هنری، دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶.

مشخصات ظاهری: ۳۴ ص:، مصور.

یادداشت: چاپ اول: انتشارات قرزین: سازمان

نشانی: تهران، خیابان حافظ، خیابان رشت، پلاک ۲۳

صندوق پستی: ۱۱۴۴-۱۵۸۱۵

تلفن: ۶۱۹۴۲ | سامانه پیامک: ۳۰۰۰۵۳۱۹

تلفن مرکز پخش: (پنج خط) ۶۶۴۶۰۹۹۳ فکس: ۶۶۴۶۹۹۵۱

www.sooremehr.ir

به نام خدا

عزیزان نویسنده

ماجرای انقلاب را - که کل آنها بود بیست تا می شود
و در تمام شان، بچه ها نقش اساسی داشتند - در اوج
انقلاب مقدس ما، بچه های نقاط مختلف ایران برای من
فرستادند یا به من سپردند - با واسطه های آشنایی نه
داشتم، یا در طول سفرهایی که به سراسر ایران می کردم
در اوج انقلاب، امکان حروف چینی این قصه ها وجود
نداشت. شش تای آنها را مرتب کردم، از حالت گزارش
ساده، به شکل قصه درآوردم، با دست و خودنویس
نوشتم و چاپ کردم. اینطور قصه ها را، در آن روزگار،
«جلد سفید» می نامیدند؛ زیرا هیچکس وقتی برای درست
کردن و به چاپ رساندن یک جلد زیبا نداشت.

بعد از چاپ این شش جلد، کارهای جدی بعد از انقلاب پیش آمد و من برای راه اندازی «سازمان داوطلبان هلال احمر» به سازمان هلال احمر رفتم و شب و روز کار کردم. بعد هم گرفتاری‌ها و فشار زندگی فرصت نداد که همه‌ی آن ماجراهای پرشکوه تلخ و شیرین را «قصه» ام. شش طرح دیگر را، به تدریج، سر و سرمان دادم اما تمام نکردم و به چاپ نرساندم. الباقی ماجراها و طرح‌ها میند، بر ماند که ماند.

۱ سال - ۷۳ - به همت «حوزه‌ی هنری»، پنج تایی اول، به صورت مجله، همراه با تصویر، تجدید چاپ می‌شود - که شده است می‌بینید. به امید حق، اگر زنده بمانم، آن شش تایی - به راه، به دیگر، باز، در سالگرد انقلاب بزرگ و پرشکوه‌ام، به چاپ خواهم سپرد؛ و اگر باز هم جان سختی کردم و ماندم، شاید آن هشت تایی دیگر را، سالهای بعد...

این قصه‌ها، که درباره‌ی گوشه‌ی کوچکی از بزرگترین انقلاب تاریخ حیات بشر است، یادگاری ست عزیز که دست دارم از من و بچه‌هایی که این یادداشتها و خاطرات را با من سپردند، باقی بماند.

در جریان گردآوری برخی از این قصه‌ها، همکار مؤمنی داشتم که حق است از او سپاسگزاری کنم. پس با تشکر از آقای شکور لطفی.

و نیز، حق نیست از ناشر چاپ نخست این مجموعه قدردانی نکنم؛ چرا که در آن روزگار شگفت‌انگیز، این کارها

شجاعتِ بسیار می‌خواست. پس با سپاس از
انتشارات فرزین.

انقلاب ما چنان بود که اگر صدها کتابِ بزرگ
درباره‌ی آن نوشته شود، باز هم کم است. این چند
کتاب کوچک، مثل ستاره‌ی کورسوزنِ کم‌رنگی ست
سمای صاف و بی‌مهابا.

ممنون و خداحافظ

نادر ابراهیمی

۱۳۷۲/۸/۱۵

www.ketab.ir